

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه

کربلا، عاشورا، امام حسین علیه السلام، گریه و سوگواری (۶)^۱

کلیدواژگان: محرم، تکامل، امام حسین علیه السلام، کشتی نجات، سریع، وسیع، محبت، عزاداری، یگانگی، حقیقت حسینی، راه‌های سلوک، شهادت، لقاءالله.

🌸 ماه محرم یکی از ماه‌های تکامل است و محبت و عزاداری برای امام حسین علیه السلام انسان را زود به مقصد می‌رساند. **كُلُّنَا سُفُنُ النَّجَاةِ وَ سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَسْرَعُ**^۲ همه‌ی ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم؛ ولی کشتی امام حسین علیه السلام سریع‌تر است.

🌸 همه‌ی اهل بیت علیهم السلام کشتی نجاتند؛ اما کشتی امام حسین علیه السلام سریع‌تر است و وقتی که حرکت می‌کند سایر کشتی‌ها کنار می‌کشند و راه را برای آن باز می‌کنند. امام حسین علیه السلام رو به خدا سریع است؛ تجلی خدا هم به‌سوی او سریع است. راه خدا سخت است؛ اما با امام حسین علیه السلام خیلی آسان و کم‌کار است.

خدمتتان عرض کرده‌ایم که رمز تکامل در کل آفرینش، قربانی شدن در راه موجود اشرف از خویش است. هر موجودی با قربانی موجود بالاتر از خود شدن، به موجود بالاتر از خود مبدل می‌شود و این‌گونه

۱. مهدی طیب، مصباح الهدی، ص ۳۰۱، ف ۱.

۲. مدرّسی، الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۰.

پله پله مراتب تکامل را طی می‌کند. ماه محرم خاطره‌ی شهادت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب بزرگوار آن حضرت را تداعی می‌کند؛ خون جدیدی در رگ‌های ایمان در وجود مؤمنان جاری می‌کند. عشق اباعبدالله‌الحسین علیه السلام گویا محبّ سوگوار اباعبدالله علیه السلام را به خود اباعبدالله علیه السلام و یارانشان ملحق می‌کند؛ گویا حجاب زمان و مکان برداشته می‌شود و خودش در خیمه‌ی اباعبدالله علیه السلام و در لشکر اباعبدالله علیه السلام حضور پیدا می‌کند و در این ایام پرحادثه‌ی دهه‌ی اوّل ماه محرم گام به گام همراه قافله‌ی اباعبدالله علیه السلام حرکت می‌کند و در روز عاشورا این محبّ سوگوار به شهادت می‌رسد و در روزهای بعد همراه قافله‌ی اسرا منزل به منزل راه را تا کوفه و شام طی می‌کند و در اربعین به کربلا و نهایتاً به مدینه بازمی‌گردد. آنچه از حوادث که در ماه محرم واقع شده، گویا همراه اوست و خودش هم قاطی لشکر امام حسین علیه السلام است. یعنی محبت، این وصل شدن را می‌آورد. محبت، انسان‌ها را به هم متصل می‌کند و یگانگی می‌آورد. مادری را که به شدت به بچه‌ی خردسالش علاقه‌مند است، دیده‌اید؟ وقتی بچه زمین می‌خورد، مادر چنان آخ می‌گوید که گویا خودش زمین خورده؛ یعنی همان دردی که بچه احساس می‌کند، مادر هم احساس می‌کند. این مال محبت است؛ مال یگانگی است. یعنی محبت، انسان را یگانه می‌کند. محبت امام حسین علیه السلام انسان را در ماه محرم با حقیقت اباعبدالله علیه السلام و یاران اباعبدالله علیه السلام یگانه می‌کند. خدا رحمت کند حاج آقا دولابی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه را، می‌فرمودند: یکبار در مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام، در یک مسجد یا تکیه‌ای، نشسته بودم و کسی کنار دستم بود، منبری داشت ذکر مصیبت می‌کرد که مثلاً تیر سه‌شعبه آمد به گلوی علی‌اصغر علیه السلام خورد و گوش تا گوش سر علی‌اصغر علیه السلام را برید؛ یا ضربت عمود آمد و فرق ابوالفضل‌العبّاس علیه السلام را شکافت؛ یا تیر سه‌شعبه آمد بر قلب اباعبدالله‌الحسین علیه السلام نشست؛ می‌فرمودند: این منبری اینها را می‌گفت و او آنجا نشسته بود، متوجه هم نبود، دیگران هم به لطف خدا متوجه نبودند، با خوشحالی می‌گفت: الحمدلله، الحمدلله، الحمدلله! حاج آقا می‌فرمودند: من می‌فهمیدم او در چه حالی است؛ او با آن حقیقت یگانه شده و از اینکه دارد شهید می‌شود لذت می‌برد. مگر در روایات نیست که امام سجّاد علیه السلام فرمودند: روز عاشورا هر چه روز بالا می‌آمد و

داغ‌ها سنگین‌تر و فشارها بیشتر می‌شد، چهره‌ی پدرم و تعدادی از خاصان اصحاب او، گلگون‌تر و شاداب‌تر می‌شد.^۳ گویا این فرد خودش داشت شهید می‌شد. موقفیت شهادت را به دست می‌آورد و خوشحال بود، می‌گفت الحمدلله. یک نمونه‌اش را همین الان اوّل جلسه داشتید؛ خدا لطف کرده این جلسه از اوّل باری که نزدیک به ده سال قبل شروع شد، همیشه با زیارت عاشورا شروع شده است. جلسه‌ی ما جلسه‌ی زیارت عاشورا است؛ حالا بنده هم که صحبت می‌کنم برای این است که فاصله‌ی بین خواندن زیارت عاشورا تا ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را پر کنم؛ سر شما را گرم کنم که این فاصله پر شده باشد؛ و الاً اصل، همان خواندن زیارت عاشورا است و آن ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام. در زیارت عاشورا بعد از اینکه انسان خاطره‌ی آن همه داغ را تجدید می‌کند، در پایان سر به سجده می‌گزارد و شکر می‌کند: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی عَظِيْمِ رِزِيَّتِي!** این همان مقام یگانگی نیست؟! او خودش را با آن حقیقت حسینی علیه‌السلام متحد می‌بیند و خدا را شکر می‌کند که چنین موقفیتی نصیبش کرده است. **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی عَظِيْمِ رِزِيَّتِي؛ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ عَلٰی مُصَابِيْهِمْ!** و الاً یعنی چه که انسان عزادار حمد کند! بر مصیبت، شکر کند! مال این است که خودش با آن حقیقت یگانه شده و دارد خدا را شکر می‌کند که مرا موقّق کردی شهید شوم؛ مرا موقّق کردی این همه مصائب را در راه عشق تو متحمّل شوم.

علی‌ای‌حال محبت یگانگی می‌آورد؛ ولذا همه‌ی آن حوادثی که برای اباعبدالله علیه‌السلام و اصحابشان رخ داد، گویا در طول ماه محرم دارد برای خود این فرد رخ می‌دهد و همان مراتب و منازل کمال را دارد طی می‌کند؛ در حالی که صورت ظاهر هیچ اتّفاقی برایش نمی‌افتد. یادتان هست که وقتی جابر بن عبدالله

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷، به نقل از معانی الاخبار، ص ۲۸۸، باب الموت: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ نَظَرَ إِلَيْهِ ... وَكَانَ الْحُسَيْنُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تَشْرُقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نَفْسُهُمْ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَنْظَرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ.

انصاری، اربعین برای زیارت امام حسین علیه السلام و تربت پاک آن حضرت آمد، برای عطیه آن رفیق همراه خودش حدیثی نقل کرد؛ اوّل داشت با امام حسین علیه السلام راز دل می گفت و عرض کرد: ما با شما در همه‌ی مراتب و منازلی که هستید، شریکیم. عطیه تعجب کرد! پرسید: آخر ما چطور با اباعبدالله علیه السلام و اصحابش شریکیم؟! ما که از مدینه به مکه، و از مکه به کربلا هجرت نکردیم! ما که سختی ندیدیم! تشنگی ندیدیم! شهادت ندیدیم! تیغ تیز متحمل نشدیم! بعد جابر آن حدیث را از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کسی به عمل قومی راضی باشد، با آن قوم در آنچه آنها به آن رسیده‌اند شریک است.^۴ و ما عاشقیم و راضی و خوشنودیم به آنچه امام حسین علیه السلام و اصحابش کردند؛ ولذا با آنها در درجاتشان شریکیم. آن روایت را برایتان خوانده‌ام که دوست اباعبدالله الحسین علیه السلام هر وقت امام حسین علیه السلام و مصائب و حوادثی را که برای آن بزرگوار و برای اهل بیت و اصحابش رخ داد، یاد می کند، اگر بگوید: **يَا لَيْتِي كُنْتُ مَعَكَ فَافُوزَ مَعَكَ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتِي كُنَّا مَعَكُمْ وَ نَفُوزَ مَعَكُمْ فَوْزًا عَظِيمًا**،^۵ همین عبارت را که می گوید در اجر شهادت شهیدان کربلا شریک می شود؛ جزء شهدای کربلا می شود. این مال همان مقام یگانگی است؛ ولذا دوست امام حسین علیه السلام، عاشق و شیدای امام حسین علیه السلام، در همین ماه محرم همه‌ی آنچه برای امام حسین علیه السلام و اصحاب و اهل بیت بزرگوارش رخ داد و مقاماتی که از رهگذر او به آن نائل شدند، برای او هم فی الواقع دارد رخ می دهد؛ صورت ظاهر شما نمی بینید؛ ولی در باطن دارد همه‌ی این مدارج و مراتب را طی می کند. و این نقش کیمیایی و اکسیری محبت و عشق است که چنین کاری می کند؛ پس ماه محرم یکی از ماه‌های تکامل است.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۱ و ج ۹۸، ص ۱۹۶؛ طبری آملی، بشارة المصطفى صلی الله علیه و آله، ص ۷۵ و محدث قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۳۸۳: **مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ.**

۵. صدوق، امالی، ص ۱۳۰ و عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۰: **يَا بْنَ شَيْبٍ! إِنَّ سَرَكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُ: يَا لَيْتِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوزَ مَعَهُمْ فَوْزًا عَظِيمًا.**

در مسیر سیر و سلوک راه‌های مختلفی هست؛ و ما هیچ راهی را هم، از راه‌های درستی که مورد تأیید قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است، انکار نمی‌کنیم. بالاخره هرکس از راهی رفته و به مقصد هم رسیده است. منکر راه‌های دیگر نیستیم. یکی، از راه علم و دانش‌اندوزی و سیر علمی حرکت کرده؛ او هم اگر درست حرکت کند به مقصد می‌رسد. یکی، از راه طاعات و عبادات و ریاضات و چله‌نشینی‌ها و اذکار و اوراد و امثال اینها مسیر را طی کرده؛ او هم اگر خالصانه و درست طی کند به مقصد می‌رسد؛ منکر او نیستیم. اما در بین راه‌های سلوک، راه میانبری که زودتر از همه، انسان را به مقصد می‌رساند راه امام حسین علیه‌السلام است. یادتان است در خاطرات سیر حاج‌آقای دولابی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه عرض کردم، خود ایشان می‌فرمود که با پدرم رفتیم نجف، آرزو داشتیم در حوزه بمانم؛ هرچه به پدرم التماس کردم رضایت نداد. در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام به حضرت متوسل شدم، آن‌قدر سینه‌ام را به ضریح کشیدم که تمام موهای سینه‌ام کنده شده و پوست سینه‌ام رفته بود؛ زخم شده بود؛ راهی باز نشد. سراغ علما رفتیم از آنها مجوزی بگیریم که حرف پدرم را اطاعت نکنم، در حوزه بمانم و همراه او به ایران برگردم، آنها هم اذن ندادند. مایوس مایوس بودم؛ فکر می‌کردم در حوزه بمانم و درس بخوانم؛ عالم بزرگی بشوم؛ از این طریق فرد شایسته‌ای در بین دوستان امیرالمؤمنین علیه‌السلام شوم؛ اما تلاش‌هایم به هیچ نتیجه‌ای نرسید. ولی وقتی آمدیم کربلا در حرم اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام بالای سر اباعبدالله علیه‌السلام همه‌ی آن چیزهایی که می‌خواستیم ظرف پنجاه، شصت سال، معلوم نیست چقدر زمان درس خواندن و درس دادن و مجاهدت‌های علمی در حوزه و بعد تبلیغ و امثال اینها به دست آورم، درجا بالای سر امام حسین علیه‌السلام همه را به من دادند.

راه امام حسین علیه‌السلام این‌طور است. خیلی راه را نزدیک می‌کند. خیلی راه را نزدیک می‌کند! کسی مژگانش از نم اشک بر اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام تر شود، حتی جاری نشود و قطره‌ای روی گونه‌اش نیاید، یعنی اشک فقط در چشمش حلقه بزند و آن‌قدر نباشد که جاری شود، فقط پلک‌هایش را کمی نمناک کند، همه‌ی گناهانش بخشیده می‌شود! همه هم که می‌گویم بی‌قید و شرط است! کسی خدای نکرده در جلسه

حاشیه نزند. قبلاً هم گفته‌ام که هر کس به روایات اهل بیت علیهم‌السلام حاشیه بزند خودش را محروم کرده است. نگوید فلان چیز را که دیگر خدا با این نمی‌بخشد! این را دیگر نمی‌شود... خیر! هیچ قید ندارد! هیچ قید ندارد. فرمودند: همه‌ی گناهانش بخشیده می‌شود. یک راه دیگر پیدا کنید که کسی این‌طور گناهانش بخشیده شود! این فقط راه امام حسین علیه‌السلام است. حالا یک سالک می‌خواهد توبه کند، تزکیه کند... [چقدر باید تلاش کند؟ در حالی که] آتش عشق امام حسین علیه‌السلام وقتی در جان یک محب می‌آید، هر چه غیر خداست، می‌سوزاند. لذا کشتی امام حسین علیه‌السلام خیلی زود انسان را به مقصد می‌رساند. در این دریای هستی، کشتی‌های متعددی دارند حرکت می‌کنند؛ در این دریای عالم، در این دریای دنیا، که لقمان به پسرش فرمود: **إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ**^۶ دنیا دریای پر ژرفایی است، عده‌ی زیادی از اهل عالم هم در آن غرق شدند، هلاک شدند، در این دریای دنیا برای اینکه انسان از این امواج خروشان، از این اعماق ژرف در امان بماند، راهش این است که سوار کشتی باشد. ائمه علیهم‌السلام فرمودند: ما کشتی هستیم. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اهل بیت من کشتی هستند. **مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ [أَوْ هَلَكَ]**^۷ مثال اهل بیت من در امتم مثال کشتی نوح است؛ هر که بر آن سوار شد نجات پیدا کرد و هر که سوار نشد، در دریای دنیا غرق و هلاک شد. پس اهل بیت علیهم‌السلام کشتی هستند. هر یک از اهل بیت علیهم‌السلام کشتی نجاتند؛ فرق نمی‌کند؛ همه‌شان کشتی نجاتند؛ به هر یک از ایشان متوسل باشید نجات پیدا می‌کنید؛ به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به حضرت زهرا علیها‌السلام، به امام مجتبی علیه‌السلام، به اباعبدالله علیه‌السلام، به امام سجّاد علیه‌السلام، به امام باقر علیه‌السلام، به امام صادق علیه‌السلام، به امام کاظم علیه‌السلام، به امام رضا علیه‌السلام، به امام جواد علیه‌السلام، به امام هادی علیه‌السلام، به امام عسکری علیه‌السلام، یا به امام عصر ارواحنا فداه، فرقی نمی‌کند. روحیه‌ی بعضی‌ها خیلی میل و رغبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارد؛ خیلی هم قشنگ است؛ نوش

۶. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، التفسیر، ج ۲، ص ۱۶۴؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶ و ابن‌شعبه‌حرانی، تحف‌العقول، ص ۳۸۶. با اندکی تفاوت.

۷. هلالی، سلیم‌بن‌قیس، کتاب‌سلیم، ج ۱، ص ۶۱ و ج ۲، ص ۹۳۷؛ نعمانی، غیبت، ص ۴۴ و صدوق، عیون‌اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۷. با اندکی تفاوت.

جانشان. یکی گرچه به همه ارادت دارد؛ اما ارادت ویژه‌ای به حضرت زهرا علیها السلام دارد. یکی به غربت و مظلومیت امام مجتبی علیه السلام، هرکس به یکی از ائمه علیهم السلام، اینها همه سفینه‌التجاة هستند. کسی به امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ارادت دارد؛ علما که دروس علمی دینی می‌خوانند، سوار کشتی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می‌شوند. همه‌ی این کشتی‌ها کشتی نجاتند و هرکس صادقانه سوار این کشتی‌ها شود، نجات پیدا می‌کند. اما این کشتی‌ها اولاً هر یک، گروه خاصی را سوار می‌کنند، مثل اهل علم که سوار کشتی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می‌شوند. اما در بین این کشتی‌ها یک کشتی هست که به تعبیر روایات، هم **اَوْسَع** و هم **اَسْرَع** است. **سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ اَوْسَعُ**: کشتی امام حسین علیه السلام از کشتی همه‌ی ائمه علیهم السلام وسیع‌تر است. یک کشتی را اهل عبادت و تهجد سوار می‌شدند؛ یک کشتی را اهل علم و دانش سوار می‌شدند؛ کشتی امام حسین علیه السلام این حرف‌ها سرش نمی‌شود؛ وسیع است؛ برای همه جا دارد. این هفتاد و دو تنی را که همراه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام به شهادت رسیدند نگاه کنید؛ از پیرمردهای زاهد و عابد، از مفسرین بزرگ قرآن و محدثین بزرگ که صحابه‌ی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام و اباعبدالله‌الحسین علیه السلام بودند، از اینها در این کشتی هست، تا افراد بی‌سوادی که هیچ ندارند؛ دستشان خالی است؛ افرادی که چندان اهل طاعت و تقوای آن‌چنانی هم نبودند؛ اهل آن زهد و عبادت و تهجدها هم نبودند. همه تیپ انسانی هست. از افراد خیلی شریف و خاندان‌های بزرگ هست تا غلام سیاهی که هیچ‌کس را ندارد؛ مثل جون که هیچ‌کس را ندارد که به او افتخار کند؛ لذا دیدید وقتی این غلام سیاه به میدان آمد، هرچه نگاه کرد دید بگوید من که هستم؟! فرزند که هستم؟ مال کدام قبیله‌ام؟ دید هیچ‌کس را ندارد. گفت: **اَمِیرِی حُسَینٌ!**^۱ کشتی اباعبدالله علیه السلام همه را جا می‌دهد. اهل گناه و معصیت را هم جا می‌دهد. وهب نصرانی! زهیر عثمانی! حرّ سردار لشکر ابن‌مرجانہ و یزیدبن معاویه! راه به روی همه باز است. می‌دانید که سی‌وپنج تن از شهدای کربلا شب عاشورا از لشکر عمرسعد به خیمه‌ی

۸. موسوعة الامام الحسين علیه السلام، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

اباعبدالله الحسین علیه السلام ملحق شدند و فردا به شهادت رسیدند. **سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ!** برای همه جا هست؛ در به روی همه باز است. هرکه هستی اینجا راه داری. نگو من اهل علم نیستم؛ در جمع اصحاب امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام جا ندارم. اهل مناجات و راز و نیاز با خدا نیستم؛ در جمع یاران امام سجّاد علیه السلام جا ندارم. در کشتی امام حسین علیه السلام برای همه جا هست. **سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ!** نه فقط آن روز، امروز هم شما نگاه کنید؛ مجلس اباعبدالله الحسین علیه السلام، عزاداری امام حسین علیه السلام محدود به هیچ کس نیست. نه محدود به اهل علم است، نه محدود به اهل طاعت است، نه محدود به اهل تشیّع است، نه محدود به اهل اسلام است. ارمنی عزاداری می کند! بودایی عزاداری می کند! هندو عزاداری می کند! **سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ!** اولاً وسیع تر از همه ی کشتی های سایر ائمه علیهم السلام است، ثانیاً اسرّع است. یعنی کشتی امام حسین علیه السلام که می آید کشتی های سایر ائمه علیهم السلام ادب می کنند؛ کنار می کشند و راه را باز می کنند که کشتی امام حسین علیه السلام برود. همه ی ائمه علیهم السلام در برابر امام حسین علیه السلام ادب می کنند. حساب امام حسین علیه السلام یک حساب جداگانه است با خدا. شنیده اید که امام معصوم بیمار شدند، از یک نفر خواستند و به او پول دادند، فرمودند: من به تو پول می دهم برو کربلا زیارت امام حسین علیه السلام بالای سر تربت امام حسین علیه السلام برای خوب شدن من دعا کن! یکی از اصحاب عرض کرد: یابن رسول الله! شما هم حجت خدا هستید؛ شما هم امام معصوم هستید؛ خودتان دعا کنید که خوب بشوید. فرمودند: هیچ نگو! دهانت را ببند! امام حسین علیه السلام حسابش حساب دیگری است! خود ائمه علیهم السلام هم ادب می کردند. خود ائمه علیهم السلام در ماه محرم مجلس عزا بر پا می کردند.

لذا وقتی کشتی امام حسین علیه السلام می آید، همه ی کشتی های دیگر کنار می کشند، کشتی امیرالمؤمنین علیه السلام، کشتی حضرت زهرا علیها السلام، کشتی امام مجتبی علیه السلام، کشتی امام سجّاد علیه السلام، همه ی کشتی ها. سالک وقتی سوار کشتی اباعبدالله الحسین علیه السلام می شود، و غرق عشق حسینی علیه السلام می شود، سیرش بسیار سریع و کوتاه و آسان است. فاصله ی بین پیوستن آن سی و پنج نفر به لشکر اباعبدالله علیه السلام تا

شهادتشان و ورود به آن مدارج بلند معنوی و اخروی چقدر بود؟! شاید سه، چهار ساعت! ببینید سیرشان چقدر کوتاه بود! امثال وهب نصرانی‌ها چند سال سیر و سلوک کردند؟ چند سال تهجد و عبادت داشتند؟ چند سال ریاضت و چله‌نشینی داشتند؟ نمی‌دانیم اصلاً فرصت کرد دو رکعت نماز در اسلام بخواند یا نه! بعد به جایی رسید که امام زمان ارواحنا فداه جلوی مرقد او می‌ایستد و می‌گوید: پدر و مادرم به فدای شما ای انصار اباعبدالله!^۹

کشتی امام حسین علیه السلام خیلی سریع است؛ هم **اَوْسَع** است، هم در لجه‌ها و گرداب‌های پرخطر این عالم **اَسْرَع** است و سریع‌تر از همه‌ی کشتی‌های اهل بیت علیهم السلام حرکت می‌کند. شهادت خیلی نزدیک است به لقاء خدا. همین که فرد شهید شد، دیده‌اش به لقاء پروردگارش باز می‌شود. نظر می‌کند به وجه‌الله! خیلی راه سریع است. و عشق امام حسین علیه السلام انسان را شهید می‌کند. زنده زنده شهیدت می‌کند. اگر محبت، محبت واقعی باشد، محبت راستین باشد، [انسان را شهید می‌کند]. شاخصه‌های محبت راستین را هم یکی دو جلسه‌ی قبل اشاره کردیم. محبت اباعبدالله علیه السلام انسان را شهید می‌کند و شهید بر خدا وارد می‌شود. اگر سیر و سلوک برای لقاءالله است، برای وصال الهی و تقرب الی الله است، محبت امام حسین علیه السلام این کار را می‌کند. خیلی آسان، خیلی سریع، و کم مؤونه. اگر انسان مردانه در وادی عشق و محبت امام حسین علیه السلام بیاید، خیلی سریع و آسان به مقصد می‌رسد. منتها مردانه به میدان بیاید! به‌راستی عاشق باشد! عشق، او را با آن حقیقت حسینی متحد خواهد کرد. انسان دیگر به کجا می‌خواهد برسد؟ سالک به کجا می‌خواهد برسد؟ اگر مندک و فانی در حقیقت حسینی شد، دیگر کدام نقطه از نقاط کمال است که به آن نائل نشده است؟!

۹. شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، ج ۲، ص ۷۲۳؛ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۳۵ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، هفتمین زیارت مطلقه‌ی امام حسین علیه السلام.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

www.ahlevela.com

اهل ولاء

www.ahlevela.com

اهل ولاء